*«اِنّما وَلیّکم الله و رسوله والّذین آمنوا الّذین یقیمون الصّلوة و یؤتون الزّکاة و هم راکعون» «ولیّ شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع نماز زکات می‌پردازند، می‎باشند.» (سوره مائده، آیه 55)*

بسم الله الرحمن الرحیم

بر طبق بینش اسلامی و بر پایه حکم عقلانی، آدمی مأمور به تبعیت و اطاعت همه جانبه از خالق خویش و پروردگار جهان است؛ چرا که انسان از ساعات و یا حتی دقایق بعدی عمر خویش آگاه نیست و در جزئی‌ترین امور، نیازمند خداوند است؛ اما در مقابل، خداوندی که او را خلق نموده، حتی بر کوچکترین اسرار وجودی مخلوق خود واقف است و مقصد و منتهای حرکت او را نیز می‌‌داند. لذاست که عقل بشر، او را به درگاه او رهنمون می‌‌سازد؛ چرا که علاوه بر این مطالب، او بی‌نیاز مطلق و غنی در تمام امور است و به مخلوقات خود کمترین نیازی ندارد، لذا جز خیر آدمی را نمی‌‌خواهد. اما این اطاعت در دیدگاه اسلام و قرآن کریم، تنها به خداوند منحصر نمی‌‌شود. بلکه به امر الهی و فرمان خداوند، یک مسلمان باید از وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و امامان معصوم (علیهم السلام)نیز پیروی و تبعیت نماید.

بنا بر این نگرش، تبعیت به طور مطلق و بدون قید و شرط تنها مختص خداوند است و بر طبق فرمان اوست که ما مأمور به اطاعت و پیروی از رسول اکرم و امامان معصوم در تمامی امور می‌باشیم. رفتار و گفتار آنان هم در تمامی امور، راهی را که به رضایت پروردگار و سعادت ابدی انسان منتهی می‌‌شود، مشخص می‌‌نماید. به این دلیل که در اعمال و رفتار آنان، هوا و هوس راهی ندارد و آنان به لطف خداوند و عنایت او، معصوم از هر خطا و اشتباه می‌باشند. بر طبق آموزه‌های اسلامی، به جز خداوند و به واسطه او رسول اکرم و امامان معصوم، آدمی نباید در برابر هیچکس و یا هیچ چیز دیگر به طور مطلق و بدون قید و شرط، مطیع و فرمانبردار باشد.

منشأ آغازین اطاعت از خداوند و معصومین (همان گونه که ذکر گردید)، عقل بشری است؛ اما در ادامه و همراه با عقلانیت آدمی، این رابطه محبت نسبت به پروردگار است که آنرا تکمیل می‌‌کند. آن هنگام که انسان قدری بیشتر می‌‌اندیشد، خود را در دریای لطف و نعمتهای الهی غرق می‌‌بیند. او می‌یابد هر چه که دارد همه از خداوند است و علیرغم ناسپاسی‌های فراوان آدمی، نه تنها لطف و مهربانی او قطع نگشته بلکه لحظه به لحظه نیز ادامه دارد. بنا بر این هر چه بیشتر سعی می‌‌نماید تا در مسیر اطاعت چنین پروردگار مهربانی، گام بر دارد. مسیری که جز به کمال و سعادت او، به چیز دیگری ختم نمی‌‌گردد.

حقیقت و مفهوم کلی ولایت نیز که در دیدگاه اسلامی تبیین می‌شود، چیزی خارج از اطاعت و پیروی از خداوند و معصومین نمی‌باشد. از سوی دیگر رابطه میان مسلمانان و شیعیان با نبی اکرم و تک تک ائمه معصومین، رابطه‌ای بسیار عمیق و دو طرفه است. طرف اول این رابطه از پیامبر اکرم و ائمه آغاز می‌گردد. آنان چنان مهربانی و شفقتی نسبت به فرد فرد مسلمین دارند که کوچکترین ناراحتی و اندوه یک مسلمان، باعث رنجش خاطر آنان می‌گردد. (که شواهد بسیاری از آن در متون اسلامی موجود می‌‌باشد.) اما در طرف دیگر، مسلمانان نیز به خاطر جمع بودن مکارم اخلاقی و کمالات روحانی در وجود معصومین، از صمیم جان به آنان عشق می‌‌ورزند. این رابطه عمیق آنچنان تبعیتی را رقم می‌‌زند که مسلمانان نه تنها در برابر کلام و رفتار امام و ولی خویش مطیع و فرمانبردار هستند، بلکه حتی در ذهن خویش نسبت به آن کوچکترین دغدغه‌ای احساس نمی‌‌نمایند.

در قرآن کریم (که کلام خداوند و نازل شده از جانب اوست)، دلایل متعددی در جهت اثبات مقام ولایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و امام علی (علیه السلام)ـ امام اولـ از جانب خداوند وجود دارد. اما ولایت سایر ائمه بنا بر ابلاغ رسول اکرم از جانب خداوند تأیید می‌‌گردد.

ما در این حال به بررسی و دقت و تأمل در یکی از آیات شریفه قرآن می‌پردازیم که در آن مسأله ولایت بر مؤمنین مطرح شده و این مقام علاوه بر خداوند، برای رسول اکرم و امام علی (علیه السلام)اثبات گشته است. به همین منظور ابتدا به بررسی کلمات به کار رفته در این آیه به صورت مجزا می‌پردازیم، و سپس به شأن نزول آیه اشاره می‌نماییم و در پایان فرازهای مختلف آیه را هر چه بیشتر مورد دقت و توجه قرار می‌دهیم.

بررسی کلمات آیه به صورت مجزا:

إنّما

کلمه‌ایست که در زبان عربی برای نشان دادن یک انحصار به کار می‌رود؛ بدین معنا که گوینده منظور خویش را به معنی و مفهومی خاص و یا اشخاصی معین، محدود می‌نماید و آن را از سایر مفاهیم و یا اشخاص نفی می‌نماید. به عنوان مثال اگر گفته شود فقط خداوند معبود ماست، به این معناست که الوهیت و معبود بودن، تنها منحصر در خداوند است و سایر موجودات، از جایگاه الوهیت، خارج شده‌اند. بر این اساس و بر طبق سایر قوانین مربوط به استفاده از این کلمه در زبان عرب (که در قسمت توضیح بیشتر آمده است) آوردن انّما در آغاز این آیه، مقام ولایت بر مؤمنین را در عده‌ای خاص منحصر می‌کند. به بیان دیگر، تنها سه مورد را در هنگام نزول آیه به عنوان ولیّ مؤمنین معرفی می‌کند و این مقام را از سایرین نفی می‌نماید. پس معنای این آیه بدین گونه می‌باشد که: «ولیّ شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌‌اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوعِ نماز زکات می‌پردازند، می‌باشند.»

توضیح بیشتر مربوط به انّما

در زبان عربی برای بیان یک مفهوم، دو نوع جمله از لحاظ ساختاری وجود دارد. (یکی را فعلیه و دیگری را اسمیه گویند. جمله فعلیه جمله ایست که با فعل شروع شود و جمله اسمیه به جمله‌ای گفته می‌‌شود که با اسم شروع گردد. هر یک از انواع مختلف جمله، دارای پایه‌ها و ارکانی اصلی می‌باشند که به وسیله آنها، معنای جمله تکمیل می‌شود و در صورتی که هر یکی از آنها حذف گردد، معنا ناقص باقی می‌ماند.

گوینده با توجه به مقصود خود از کلام، می‌‌تواند این ارکان را در محلهای مختلف کلام خود ذکر کند و ترتیب قرار گرفتن آنها را تغییر دهد.

انّما بر سر هر دو نوع جمله می‌‌آید و آخرین رکن جمله (و یا رکنی را که پیش از ذکر تمامی ارکان ذکر گردیده است) حصر می‌نماید. حال برای روشن‌تر شدن بحث، مثالی را ذکر می‌کنیم. فرض کنیم فردی به نام محمد ایستاده است. این واقعیت را می‌توان به دو صورت بیان نمود:

1-  فرد ایستاده محمد است.  2- محمد ایستاده است.

در حالت اول اگر از انّما استفاده شود و بر سر جمله بیاید، محمد را که در انتها آمده حصر می‌نماید. بدین معنا که فرد ایستاده فقط محمد است. (یعنی کس دیگری ایستاده نیست.) اما در حالت دوم در صورتی که از انّما استفاده گردد، ایستادن که در انتها آمده حصر می‌شود. یعنی محمد فقط ایستاده است. (و کار دیگری غیر از ایستادن انجام نمی‌دهد). در آیه محل بحث نیز، آخرین رکنی که از جمله ذکر شده است، معرفی افرادی است که بر مؤمنین ولایت دارند. در نتیجه بنا بر مطالبی که ذکر گردید، انّما این اشخاص را حصر می‌نماید و آیه بیان می‌کند که ولی شما تنها خدا و رسول و مؤمنینی که نماز می‌گذارند و در حال رکوع زکات می‌دهند، می‌باشند.

ولیّ

در کتب لغت عرب همانند مفردات القرآن و لسان العرب و ... برای این کلمه، معانی متعددی آورده شده است. که می‌توان از آن جمله داماد، هم‌‌قَسَم، دوست، سرپرست، یاور و ... را ذکر نمود. بسیاری از این معانی گفته شده در توضیح کلمه «ولیّ«نه تنها در این آیه بلکه در آیات دیگر قرآن کریم (که در آنها نیز، کلمه ولیّ بکار رفته است) مفهوم درستی را نمی‌رساند. {به عنوان مثال اگر معنای داماد را از بین معانی ولیّ در این آیه جایگزین نماییم معنای آیه این‌‌گونه می‌شود: «فقط خدا و رسولش و کسانی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند، داماد شما هستند.» که عدم صحت این معنی کاملا آشکار است.} با توجه به این مطلب، مفسرین و صاحبنظران اسلامی درباره معنای ولیّ در این آیه فقط یکی از سه معنی

1- دوست

2- یاور و ناصر

3- سرپرست و صاحب اختیار

را برگزیده‌اند. (ما در قسمت‌های بعد این سه معنی را بررسی بیشتری خواهیم کرد.)

زکات

زکات یعنی «اعطای مال در راه رضای خداوند متعال«و یکی از موارد آن اعطای مال به مستمندان می‌باشد. که در این آیه به آن اشاره شده است.

رکوع

به این دلیل که پیش از آوردن لفظ رکوع صحبت از به جای آوردن نماز توسط مؤمنین می‌باشد (یقیمون الصلوة)، رکوع در این آیه به همان معنی عمل خاص در نماز است که پس از قرائت حمد و سوره می‌باشد و عبارتست از خم شدن و انحنای سر).

توضیح بیشتر مربوط به رکوع

رکوع دارای سه معنی لغوی و اصطلاحی و مجازی است. معنای لغوی آن انحنای سر و خم شدن می‌باشد، که اگر این حالت با قصد قربت و در نماز باشد به عنوان فعلی در نماز به حساب می‌آید و این همان معنای اصطلاحی است. به عبارت دیگر معنای اصطلاحی رکوع از همان معنی انحنای سر و خم شدن گرفته شده است، با این تفاوت که یک عمل اصلی در نماز است و به همین خاطر باید با قصد قربت انجام شود (قصد قربت یعنی همه توجه به سمت پروردگار باشد و عمل فقط برای رضایت او انجام شود، نه به منظور دیگر). معنای مجازی آن ذلت و خضوع در مقابل یک فرد می‌باشد.

همیشه در هنگام مطالعه یک متن ابتدا معنای لغوی کلمات به ذهن می‌رسد و اگر دلیل و قرینه‌ای وجود داشته باشد، معنای اصطلاحی یا مجازی آن کلمه در نظر گرفته می‌شود. قرآن هم، این‌گونه است که باید اول معنای لغوی بررسی شود و در صورت وجود قرینه و دلیل، به معنای اصطلاحی یا مجازی آن روی آوریم. رکوع نیز مستثنای از این قاعده نیست و هر جا در قرآن با این کلمه مواجه شدیم، باید ابتدا معنای لغوی آن در نظر گرفته شود. مثلاً در صورتی که در آن صحبت از نماز و نمازگزاران بود به قرینه نماز، ناگزیر به معنای اصطلاحی برمی‌گردد و در صورت وجود قرائن دیگر به معنای مجازی آن روی می‌آوریم. در این آیه هم به علت اینکه در ابتدای آیه صحبت از بر پا داشتن نماز است (یقیمون الصلوة) رکوع را باید در معنای اصطلاحی آن (یعنی یکی از اعمال خاص نماز)، به کار برد.

در ابتدای بحث گفتیم که ولیّ با سه معنی دوست، ناصر (یاور) و سرپرست مورد بحث و گفتگوی مفسرین است. ما نیز دو معنی دوست و ناصر (معنای اول و دوم) را بررسی می‌کنیم و بعد به معنای سوم می‌پردازیم، تا به معنای بهتر «ولیّ» در این آیه دست یابیم.

1- دوست           2- ناصر (یاور)

با در نظر گرفتن این دو معنی آیه این‌گونه معنا می‌شود:

«تنها دوست یا ناصر شما، خدا و رسولش و آن کسانی هستند که ایمان آوردند. کسانی‌که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند.»

گفتیم «انّما» برای حصر نمودن بکار می‌رود. پس با توجه به انّما و معنای دوست یا ناصر نتیجه می‌گیریم که فقط دوست و یاور ما، خدا و رسولش و آنهایی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند، می‌باشند. با توجه به این معنی ما دیگر نباید هیچ دوست و یاوری داشته باشیم. و نمی‌توانیم کس دیگری را (که مثلاً زکات در حال رکوع نداده است) دوست یا ناصر خطاب کنیم.

این دو معنی با آیات دیگر قرآن در تناقض می‌باشند (لازم به توضیح نیست که در قرآن چون کلام خداست و در آن اشتباه جای ندارد، تناقض یافت نمی‌شود). همانند:

«و إن استنصروکم فی الدّین فعلیکم النصر» (سوره انفال، آیه 72)

« اگر در دین از شما یاری خواستند پس بر شما است یاری کردن. »

این آیه معلوم می‌نماید یاری رساندن و نصرت دادن به دیگران فقط مختص افرادی خاص نیست و می‌گوید هر آنکس، از شما در دینش یاری خواست به او یاری نمایید.

«تعاونوا علی البرّ و التقوی» (سوره مائده، آیه 2)

« کمک کنید همدیگر را بر نیکو کاری و پرهیزکاری. »

در این آیه هم کمک کردن به یکدیگر بر اساس نیکی و تقوا خواسته شده است و اختصاص به افراد خاص ندارد.

«انّما المؤمنون إخوة» (سوره حجرات، آیه 10)

« جز این نیست که مؤمنان برادرند.»

خداوند متعال در این آیه مؤمنین را با یکدیگر برادر خوانده است، حال آنکه مشخص است رابطه برادری اسلامی، بالاتر از رابطه دوستی است. (یا بالاتر از به هم یاری رساندن می‌باشد.) پس چگونه ممکن است که ما بتوانیم فقط از زکات‌دهندگان در حال رکوع دوست انتخاب کرده و از آنها یاری بخواهیم، در حالی‌که قرآن همه مؤمنان را برادران یکدیگر معرفی می‌کند!

پس معلوم می‌شود معنای ولیّ در آیه مورد بحث، نمی‌تواند دوست یا ناصر باشد. چون معنای دوست و ناصر معنای کلی می‌باشد و در افرادی خاص منحصر نمی‌شود.

3- ولیّ به معنای سرپرست

حال اگر ما ولیّ را به معنای سرپرست و صاحب‌‌اختیار معنی کنیم، با سایر آیات قرآن در تناقض نیست. چون امر سرپرستی نمی‌تواند مختص همه باشد. و این‌گونه نیست که هر کس، بتواند بر ما امر و فرمان کند و سرپرست ما شود. مگر فرد یا افرادی خاص که از جانب خدا باشد. و این آیه می‌گوید که امر ولایت به معنای سرپرستی بعد از خدا و رسولش به عهده فرد یا افرادی است که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند.

در اینجا باید ببینیم که زکات‌دهندگان در حال رکوع نماز چه کسی یا کسانی در هنگام نزول آیه می‌باشند که امر مهم سرپرستی بعد از خدا و رسولش در اختیار آنان می‌باشد. که بهترین شاهد و گواه برای این موضوع، مراجعه به شأن نزول این آیه می‌باشد.

شأن نزول آیه

مفسرین و صاحبنظران شیعی(3) و اهل تسنن(4) این مطلب را گفته‌اند که:

فقیری به مسجدالنبی آمد و از مسلمانان طلب کمک کرد و هیچ کس به فقیر کمک نکرد مگر حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام)که در حال رکوع نماز، انگشتری خود را به فقیر بخشید و این آیه (آیه 55 سوره مائده) بر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)نازل گشت.

بررسی قسمتهای مختلف آیه

وصف مؤمنینی که دارای مقام ولایت هستند

در این آیه خداوند برای آن دسته از مؤمنین که دارای مقام ولایت هستند، نشانی خاصی را بیان نموده است و آنان را کسانی معرفی می‌نماید که در حال رکوع نماز، زکات می‌دهند.

برای فهم بهتر این آیه لازم است این مطلب را بررسی نماییم که چگونه می‌توان شخصی را به وسیله توصیف نمودن او به مردم معرفی نمود، تا مردم به او مراجعه نمایند.

به طور کلی می‌توان شخص را به دو گونه وصف نمود. یکی آنکه گوینده نشانی خاصی را می‌دهد و منظور گوینده فقط فرد خاصی است و کس دیگری را در بر نمی‌گیرد. نوع دوم آنست که گوینده نشان عامی را می‌‌دهد و هر کس که آن خصوصیت را داشته باشد مورد نظر گوینده قرار می‌گیرد. برای روشن‌تر شدن مسأله مثالی را برای هر دو وصف به ترتیب می‌آوریم.

مثال وصف نوع اول:

از [استاد](http://www.masaf.ir/)ی سؤال می‌شود: کدام یک از شاگردانت از بقیه عالمتر می‌باشد؟ [استاد](http://www.masaf.ir/) در جواب می‌گوید: آن شاگردی که از همه تمیزتر است.

چون تمیز بودن و عالم بودن با یکدیگر تناسبی ندارد، پس [استاد](http://www.masaf.ir/) با دادن این پاسخ خواسته است نشانه‌ای را مشخص نماید و بگوید فقط این فرد (و با این مشخصه)، مورد نظر من است. در واقع [استاد](http://www.masaf.ir/) با این نشانه ملاکی خاص را برای فردی خاص معین کرده است. و این‌‌گونه نیست که اگر کسی بعد از این خود را تمیز نماید جزء جواب [استاد](http://www.masaf.ir/) قرار گیرد. چون پاسخ [استاد](http://www.masaf.ir/) در زمانی خاص داده شده است و اشاره به عالم‌ترین فرد دارد و در غیر آن زمان، دیگر معنایی ندارد. در این مورد و در موارد مشابه، از پاسخ [استاد](http://www.masaf.ir/) این نکته نیز می‌‌تواند به ذهن بیاید که یکی از موارد مورد پسند [استاد](http://www.masaf.ir/)تمیز بودن است و او تمیز بودن را دوست دارد. همچنین [استاد](http://www.masaf.ir/) به‌طور غیر مستقیم خواسته به بقیه شاگردان بگوید که اگر نمی‌توانید عالم‌ترین بشوید، ولی خود را تمیز نگاه داريد.

مثال وصف نوع دوم:

حال اگر [استاد](http://www.masaf.ir/) در پاسخ اینگونه گفته بود: آن فردی عالمتر است که از همه بیشتر درس می‌خواند، این دیگر ملاک خاص نبود. چون درس خواندن و عالم شدن با هم تناسب دارد و هر کس که بیشتر درس بخواند می‌تواند عالم‌ترین باشد. پس، [استاد](http://www.masaf.ir/) در اینجا ملاک عامی را معرفی کرده است و درس خواندن را مساوی با عالم شدن مطرح کرده است و منوط به فردی خاص نمی‌باشد.

برای استفاده از این مطلب، به سراغ آیه مورد بحث می‌رویم.

خداوند متعال در این آیه گفته است بعد از خود و رسولش، کسانی که در حال رکوع نماز زکات می‌دهند، سرپرست مؤمنین می‌باشند. مشاهده می‌کنیم که بین زکات در حال رکوع و اینکه کسی سرپرست مؤمنین باشد هیچ‌گونه تناسبی وجود ندارد. پس وصفی که در این آیه به‌وسیله آن، مؤمنین (آنهایی که بر سایرین ولایت دارند) مشخص شده‌اند، از نوع وصف اول می‌باشد. و خدا نشانه‌ای را در زمانی خاص داده است تا مشخص کند بعد از خود و رسولش چه کسی سرپرست مردم می‌باشد. با توجه به شأن نزول مشاهده می‌شود که منظور خدا کسی جز علی بن ابیطالب (علیه السلام)نمی‌‌باشد. همچنین از این آیه مشخص می‌شود که یکی از عوامل مورد پسند خداوند، زکات دادن در حال رکوع نماز می‌باشد. بدین معنی که خداوند متعال به‌طور غیر مستقیم به مؤمنین می‌گوید: با اینکه تمامی شما نمی‌توانید سرپرست سایر مؤمنین باشید ولی سعی در انجام این عمل پسندیده داشته باشید و دادن زکات را به علت خواندن نماز به تأخیر نیندازید، که این عمل مورد رضای خداوند می‌باشد.

کلمه جمع،منظور از آن شخصی واحد

در اینجا لازم است به نکته مهم دیگری توجه کنیم؛ در این آیه کلمه مؤمنین به صورت جمع آورده شده است، حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا این کلمه به صورت جمع آمده است، در حالی‌که گفته شد، مراد از مؤمنین حضرت علی (علیه السلام)می‌باشد.

در این رابطه باید این نکته را در نظر داشته باشیم که کلمه مفرد در زبان عربی نباید بیشتر از یک نفر به‌کار رود، ولی عکس آن جایز و صحیح است.

بدین معنا که کلمه به صورت جمع آورده شده در حالی‌که منظور از آن یک شخص واحد است. در قرآن نیز در موارد متعدد این گونه عمل شده است. به عنوان مثال (در قرآن آمده است):

«و اذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله لوّوا رءوسهم و رأیتهم یصدّون و هم مستکبرون» (آیه 5، سوره منافقون)

«و هرگاه به آنها گفته شود بیایيد تا رسول خدا برای شما از حق آمرزش طلبد، سرپیچند و مشاهده می‌کنی با تکبر و نخوت روی برمی‌گردانند.»

«هم الذین یقولون لاتنفقوا علی من عند رسول الله حتّی ينفضّوا ...» (آیه 7، سوره منافقون)

«اینها همان کسانی هستند که می‌گویند بر آنان که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند ...»

در این دو آیه خداوند، حکمی کلی را در مورد منافقین آورده است که با تکبر و نخوت روی برمی‌گردانند و می‌گویند بر اصحاب رسول انفاق نکنید. در حالی‌که با مراجعه با شأن نزول مشاهده می‌شود در عین اینکه خدا در این آیات منافقین را مورد خطاب قرار داده است و حکمی را صادر کرده است، ولی مصداق خارجی این آیات شخصی واحد، به نام عبدالله بن أبی بوده است. (می‌‌توان در تفسیر طبری و همچنین در تفسیر سیوطی از قول ابن عباس در ذیل این آیات، مطلب فوق را مشاهده نمود.)

در ادامه برای رعایت اختصار، فقط به نشانی آیات و بیان مفسرین در ذیل آن، اشاره می‌شود.

1- سوره آل عمران، آیه 181 (تفسیر قُرطُبی، جلد 4، صفحه 294)

2- سوره توبه، آیه 61 (تفسیر قرطبی، جلد 8، صفحه 192 - تفسیر خازن، جلد 2، صفحه 253)

3- سوره نساء، آیه 10 (تفسیر قرطبی، جلد 5، صفحه 53 - الإصابة، جلد 3، صفحه 397)

4- سوره ممتحنه، آیه 8 (بخاری؛ مسلم؛ احمد؛ ابن جریر ـ ابن ابی حاتم؛ همین‌طور در تفسیر قرطبی، جلد 18، صفحه 59)

5- سوره مائده، آیه 41 (تفسیر قرطبی، جلد 6، صفحه 177 - الإصابه، جلد 2، صفحه 326)

و ...

از مطالب گفته شده به این نتیجه می‌رسیم که آوردن کلمه جمع برای مفرد بلامانع است و موارد متعدد از آن وجود دارد. از سوی دیگر این آیه با آوردن جمع و مورد نظر داشتن شخص واحدی به عنوان ولیّ، معنای کامل‌تری را به ذهن می‌آورد، بدین معنی که خداوند با آوردن جمع در این آیه به‌طور غیر مستقیم به مؤمنین گفته است با اینکه نمی‌توانید ولیّ و سرپرست باشید ولی می‌توانید دو عبادت را با هم جمع نمایید. همان گونه که حضرت علی (علیه السلام)دو عبادت نماز و زکات دادن را با هم جمع نمود و یکی را به علت دیگری به تأخیر نینداخت. (این مطلب در قسمت قبل با تفسیر بیشتری آورده شده است.)

در انتهای این بحث به قول زمخشری (در این رابطه) می‌پردازیم. (زمخشری از مفسرین بزرگ اهل تسنن می‌باشد که در تفسیر کشاف ذیل این آیه، مطلب زیر را آورده است.)

«پس اگر بگوییم: چگونه صحیح است که این لفظ (الذین آمنوا) در مورد حضرت علی (رضی الله عنه) باشد در صورتی که به صورت جمع آورده شده، خواهم گفت این لفظ با وجود آنکه سبب نزول در آن یک مرد می‌باشد، به صورت جمع آورده شده تا مردم را در مانند کار او ترغیب کند، که سرانجام ایشان به ثوابی مانند ثواب او نایل شوند. و تا توجه دهد که خلق و خوی مؤمنین باید در چنان درجه‌ای از علاقمندی و نیکی و احسان و رسیدگی به فقرا باشد که حتی اگر در حال نماز، کار نیکی برای ایشان پیش آمد که تأخیرپذیر نبود، (تأخیر موجب فوت آن کار می‌‌شد) آنها تا پایان نماز هم آن کار را به تأخیر نیفکنند.»

ماهیت و سنخ ولایت رسول اکرم  (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام)

با دقتی بیشتر مطلبی دیگر نیز از آیه دریافت می‌شود: با وجود اینکه خدا ولایت بر مؤمنین را بعد از خودش برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و حضرت علی (علیه السلام)نیز مطرح می‌کند، ولی به جای بکار بردن کلمه اولیائکمبه صورت جمع از ولیّکمکه مفرد است استفاده نموده است.

از مطرح شدن کلمه ولیّ به صورت مفرد می‌توان فهمید که خداوند متعال خواسته است ولایت خویش را در اختیار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و حضرت علی (علیه السلام)نیز قرار دهد بدون آنکه این مقام را از خود سلب کند. که ولایت آنها از همان سنخ ولایت خداوند می‌باشد. بدین معنی که اگر خداوند گفته بود اولیائکممعلوم بود که صحبت از چند نوع ولایت متفاوت است که افرادی آنرا بر مؤمنین دارند. در حالی‌که خدا این‌ گونه نگفته است ویک نوع ولایت را مشخص کرده است. در حقیقت ولایت خداوند و ولایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)و حضرت علی (علیه السلام)یک نوع ولایت است با این تفاوت که ولایت خدا، ذاتی و به طور مستقل است. بدین معنی که ولایت خداوند را کسی در اختیارش نگذاشته است. (خدا به این علت که خالق همه چیز است، باید ولیّ و سرپرست و صاحب اختیار همه موجودات باشد.) اما ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)و حضرت علی (علیه السلام)را خدا به آنها اعطا نموده است و ولایت آنها به ولایت خدا وابسته می‌باشد.

همان‌طور که شیعه نیز قائل است رسول اکرم و ائمه معصومین (علیهم السلام)بنده خدا می‌باشند و هر آنچه که در اختیار دارند از جانب خداوند می‌باشد و خدا به آنها اعطا کرده است و آنها از خود به تنهایی هیچ ندارند.

نتیجه

از آنچه که تا کنون ذکر گردید، آشکارا روشن می‌گردد که:

1- قرآن کریم مسأله ولایت و سرپرستی بر مؤمنین را به طور دقیق و در آیات مختلف تبیین نموده است.

2- معنای ولایت که در این آیه از آن سخن به میان آمده است، همان سرپرستی، صاحب اختیار بودن می‌باشد.

3- ولایت در دیدگاه قرآن کریم تنها برای عده‌ای خاص اثبات گردیده و از دیگران نفی شده است.

4- از منظر قرآن، مقام ولایت بر مؤمنین در اصل مختص به خداوند است و ولایت سایر افراد هنگامی پذیرفته است که خداوند آن را در اختیار آنان قرار داده باشد.

5- مؤمنین باید در تمامی امور به ولیّ خویش مراجعه نمایند و از او پیروی نمایند و او را الگوی خویش قرار دهند.

منبع : سایت رشد به تصحیح حجت الاسلام و المسلمین جاودان

منبع کپی در سایت خادمین اهل بیت:جنبش مصاف